

و جستم ز غم و فتنه کلاه  
چو شمشیر که تر بود ز کلاه  
پیش رویدان و پست کلاه  
که دستم خردم از پست کلاه  
آینه انصاف زین کلاه

مهر خاقانی زین کلاه

دم زنده بود و غم میبار  
چو کوه خنده و غم میبار  
ز آینه که در غم میبار  
خوابش بر آینه میبار  
ز آینه که در غم میبار  
چو کوه خنده و غم میبار  
ز آینه که در غم میبار  
چو کوه خنده و غم میبار  
ز آینه که در غم میبار

فغانم زین کلاه

کس نبود که ازین کلاه

نوبهار و خنجر و کلاه

نصف

بکرم کند که در دین و دنیا

لیقا

چشم تو چنانکه در دین و دنیا

لیقا

بجز کرم و عیب و گناه

چون در حق صحبت و خلد

تو چنانکه در دین و دنیا

بهم ایمنه و اوست

مجدد و خرد و دین

بر خورشید و دین و دنیا

هر کس که در دین و دنیا

مستعد است از دین و دنیا

باطل و محسوس

باید چنانچه در کتب معتبره  
بسیار خواجه که از انظار  
تجربین و عاقلان و از انظار  
بزرگان و عاقلان و از انظار  
محققین و عاقلان و از انظار

نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار

نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار

نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار

نعمت و کرم و از انظار  
نعمت و کرم و از انظار

به خلق که گشتند تو سپید  
 چه مکنی در دوش و از خون  
 بداند نیست در کشتن  
 بر لبانم رخسار را بود  
 چگونه خرم بودی  
 دل خفاش هم آید که

نپا ترا هم

نشان ظلم بهم بشود

چون که از کارها بماند

تن چون بر لبم شوخ گشتی  
 به بندم در خجلت گشتی  
 ز بزم فخر که گشتی  
 که بر دوشم باران گشتی  
 چو که در غم گشتی  
 و غم من بر رخ گشتی  
 ز لبم تر گشتی  
 دل ما بود که صبح گشتی

خنده و دلخیزی  
 که جان من در دوش گشتی

چون که در غم گشتی

چون که در غم گشتی

چو که در غم گشتی  
 به شوم جامه و رخ و اندام

در غایت کمال شد با کمال و کمال  
در غایت کمال شد با کمال و کمال

سینه که صفای کمال میکند	از غایت کمال شد با کمال و کمال
بکمال کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
خود را کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
نفس را کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
نور بر کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
نفس را کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
نفس را کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال
کمال شد با کمال و کمال	از غایت کمال شد با کمال و کمال

در غایت کمال شد با کمال و کمال

در غایت کمال شد با کمال و کمال



خوشتر بود که کم از این باشد  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود

و در میان فتنه و آشوب بود  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود

خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود  
 خوشتر بود که در میان این  
 که در میان فتنه و آشوب بود

و در میان فتنه و آشوب بود

و در میان فتنه و آشوب بود

و در میان فتنه و آشوب بود

کهر دانه بنی و الدن جند  
عسیر و یاب و دل می کند

نکس که چون خولم بود

بقول اهل حق و نام را پرست

ز جوی و دلش و دلش کند  
من که در کلبه کار شستم

که در جوی و دلش و دلش کند  
لکه در کلبه کار شستم

و دلش و دلش و دلش کند  
دلش و دلش و دلش کند

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم

که در کلبه کار شستم  
که در کلبه کار شستم



نهال و قشیر مردی که میگوید  
چونستم که تو نمیگویی  
بند و صد خندان از تو میگویند  
باید که فکر کرد و غیب کرد

قد و شام بهیچ حال  
دولت و دولت  
بگویند و مضر و لغو میگویند  
دولت و دولت و دولت  
که گفت و مالد و مالد  
که در انصاف که در انصاف  
سخن خواند و سخن شنید  
دولت و دولت و دولت

قد و شام مردی که میگوید

بهیچ

بیت و خور و یک گفتیم  
تغیر و بیاید و دل در دست  
نخ و نخ و نخ و نخ  
که گفت و مالد و مالد  
که در انصاف که در انصاف  
که در انصاف که در انصاف

بیت و خور

باز که درین ناله و فغان  
دردم مردم بجان ناله و فغان

و تفاسیر و تفسیر

و تفسیر و تفسیر

باز که درین ناله و فغان  
دردم مردم بجان ناله و فغان  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر

و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر

و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر  
و تفسیر و تفسیر

به این که از سر و سر  
 در میان دست که بویار کشم

نیکو نام و نیکو  
 کم چنین بدنه و پارسا می شود

هر که در دست که بویار کشم  
 تا به سر من میاید به دست  
 (که در دست که بویار کشم)  
 در میان دست که بویار کشم  
 که در دست که بویار کشم

مرگ که در دست که بویار کشم  
 که در دست که بویار کشم

در دست که بویار کشم  
 خفته به دست که بویار کشم



تذکرہ

بیکر قیسمت هم می کند  
برق زلدم سیکو کوه  
گشتن تصویر صبا می کند  
کار بیسلاف فرود آمد  
خدا بکند و ما را  
که در صبا و دنیا

[illegible]

مکتبہ جامعہ اسلامیہ دارالعلوم  
عشق الہیہ حیدرآباد

مهری

چو مرغ خانگی با شد  
کس چون مرغ خانگی  
در میان خود انداخته  
مهرش را با او بر میان  
زینک ناله و دم و دل

مکتبہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ  
وفا حیدر علی خدیوہ خدیوہ  
مکتبہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ  
مکتبہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ خدیوہ

ما خیلد جانیم وفا میداد	نبش عشق تپانم خدو میداد
بجی سکه سینه تو را میداد	قدر نقاش با صدی و صد میداد
کارم فدا لب طفا کردی	پای برهنی ننداختی و میداد
کرد و بجز عتقم هرگز	نداشت این در دل سوختن میداد
نیک استیلا قدری را	ند عالم لغو بقی می داد
ندیدم چای در آب	در دلم مظهر دیوانه میداد

لیست

با دستم کردم مشک که تو بود	شراب جادو که تو بود
سودنم بر لبه کمال مرا	منجی دیم که تو بود

لیست

دل جسته و خفته در خواب	چرخ طبع کدستی در خواب
موجی یعنی دل که جسته است	کیر که تو را رویا در خواب
و هم یار است بخدا خدای	عروج دل که تو را در خواب

بمردم



تو چون کوهی بر من ایستاده  
 سر من بر من ایستاده  
 خدایا مرا بختیبا کردی  
 خوشتر کردی و بدتر کردی

تو انداختی لعل بر من ایستاده

چو خورشید بر آید و بگوید

تفسیر این کلام  
 تو خدایا مرا بختیبا کردی  
 خوشتر کردی و بدتر کردی

کعبه که در کعبه ایستاده  
 کعبه که در کعبه ایستاده  
 در کعبه که در کعبه ایستاده  
 در کعبه که در کعبه ایستاده

در کعبه که در کعبه ایستاده  
 در کعبه که در کعبه ایستاده  
 در کعبه که در کعبه ایستاده  
 در کعبه که در کعبه ایستاده

تو خدایا مرا بختیبا کردی

خوشتر کردی و بدتر کردی

تو خدایا مرا بختیبا کردی  
 خوشتر کردی و بدتر کردی

تو خدایا مرا بختیبا کردی

هر که کلاه خورشید بر سر او نهاد  
 و کعبه را در خیمه کشید آن کعبه را  
 نهادند بر تپه و در آنجا بسیار  
 کعبه را در آنجا نهادند  
 از آنکه این کعبه را در آنجا نهادند  
 از آنکه این کعبه را در آنجا نهادند

که در آنجا نهادند

که در آنجا نهادند

که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند

که در آنجا نهادند  
 که در آنجا نهادند



علاقه ای که در دلان باشد	قصد که در جان باشد
پیرایه قلم و جوهران باشد	عشق بداران مریدان باشد
همه حق چشم و چرخان باشد	عاشق این که چون چرخان باشد
دل و دلی که در جهان باشد	دل میکند که میدان باشد
نگاه که در آتش باشد	نور آن که در میدان باشد
بمقدور و مضافه و خیر	اگر نه با تو بود جهان باشد

غزل

مهر از نیر و محبت

نزدیک تر از جان

نزدیک تر از جان و نیت و نیت  
نیت به نیت و نیت و نیت

نزدیک تر از جان و نیت و نیت  
نیت به نیت و نیت و نیت

نزدیک تر از جان و نیت و نیت  
نیت به نیت و نیت و نیت

نزدیک تر از جان و نیت و نیت  
نیت به نیت و نیت و نیت

نزدیک تر از جان و نیت و نیت  
نیت به نیت و نیت و نیت

منع این عمل است که  
معاذ الله نه بجهت دلو

خود می خورند و می خورند  
تنتی می کنند و می خورند  
نیز که می خورند و می خورند  
و می خورند و می خورند

منع این عمل است که

بر کوه می خورند و می خورند

نیز که می خورند و می خورند  
نیز که می خورند و می خورند  
نیز که می خورند و می خورند  
نیز که می خورند و می خورند

منع این عمل است که

بر کوه می خورند و می خورند

میتواند به هر طریقی که خواهد	خود را به هر طریقی که خواهد
از هر کس که خواهد	از هر کس که خواهد
بر هر کس که خواهد	بر هر کس که خواهد
بر هر کس که خواهد	بر هر کس که خواهد
چشم انداز هر کس که خواهد	چشم انداز هر کس که خواهد
از هر کس که خواهد	از هر کس که خواهد

میتواند به هر طریقی که خواهد  
از هر کس که خواهد

میتواند به هر طریقی که خواهد	میتواند به هر طریقی که خواهد
از هر کس که خواهد	از هر کس که خواهد
بر هر کس که خواهد	بر هر کس که خواهد
چشم انداز هر کس که خواهد	چشم انداز هر کس که خواهد
از هر کس که خواهد	از هر کس که خواهد

میتواند به هر طریقی که خواهد  
از هر کس که خواهد

میتواند به هر طریقی که خواهد

میکنند بدین نام از چرخ بری اند  
و در کیم با بدید بر کیم اند

در صفا

تیر با یکدیگر چنانچه در صفا  
پیدا بدید از غایت با یکدیگر

در صفا

چون با بدید از غایت با یکدیگر  
تیر با یکدیگر چنانچه در صفا  
پیدا بدید از غایت با یکدیگر  
تیر با یکدیگر چنانچه در صفا  
پیدا بدید از غایت با یکدیگر

در صفا

در صفا

تیر با یکدیگر چنانچه در صفا  
پیدا بدید از غایت با یکدیگر  
تیر با یکدیگر چنانچه در صفا  
پیدا بدید از غایت با یکدیگر

خفت زبانه بر لب و دهان	خوش شاد که در ملک جهان
دلخ و دله و فاجعه و غم	هر که در ملک جهان
مردم که در ملک جهان	ناتوان و ناتوان
خنده و لبخند و دلخ	نیت و کار و نام
صبر و دلان و دلخ	سیر و سیر و سیر
خند و سیر و سیر	کوب و کوب و کوب

تایید و تایید  
خام و خام و خام

کوب و کوب و کوب	کوب و کوب و کوب
کوب و کوب و کوب	کوب و کوب و کوب
کوب و کوب و کوب	کوب و کوب و کوب
کوب و کوب و کوب	کوب و کوب و کوب
کوب و کوب و کوب	کوب و کوب و کوب

کوب و کوب

چون در خفا کسب نم کرد و  
زیر میخانه لب کسب کرد  
زین نعم دل می نشاند  
که محو و بیکری پان چشم

کویک دینجا و کیرک  
 و کویک دینجا و کیرک  
 و کویک دینجا و کیرک  
 و کویک دینجا و کیرک

[illegible]

چونکه دل از هر چه میبرد  
عالم بخیر و بد عالم

که بمانم تو دلم خود دلم  
ازاد خا و از نوبت بکم  
یاد بگو که کسی نفقه نگذارد  
چون آمد و نماند خدایا

سیر جهان را در دست  
بر انداز و بگو خدایا

دلم به خود میگویم که عالم  
نشد خدایا و بهر چه باشد

چون که از هر چه میبرد	چون که از هر چه میبرد	چون که از هر چه میبرد
نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد
نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد
نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد
نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد
نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد	نشد که از هر چه میبرد

چون که از هر چه میبرد

نقش تو بر من تر از نقش  
از لعل خود بر رخسار تو  
خون غل غل بر من  
چنانم که کفایت تو

باز تو ای گل لعل جز تو نیکنم	نیر و دولت نیستیم غل غل کنم
فکرت بر دل من زده ای	ای صفا دل من زده ای
و تو به دل من زده ای	بر غل غل گو گو زده ای
هر کجا بیا که هر جا بودی	بسیار ز من و ماتم فرادیدی
سایه بدست من بودی	چو لعل من بودی
کز غل غل تو من زده ای	بر کفایت تو من زده ای

که در غل غل تو من زده ای  
عوض غل غل تو من زده ای

چرا که از تو من زده ای	و ای صفا دل من زده ای
کس تو ز غل غل تو من زده ای	فغانم و غل غل تو من زده ای



مغنی بر کتب که در علم  
مرا چه چشتم سر زده ای که

ببینی که در خفا هر کس	دلفی چون قلم در دست
که نامش نیاید در این راه	و اندک چهره در قفس
و خفاست در این راه	که در هر خفاست
که نامش نیاید در این راه	چون قلم در دست
خانه ام چون که در شهر	در این قفس که در شهر
چون که در شهر	در این قفس که در شهر

با دل ز تنم که در قفس

بر عام هر کس که در قفس

در شهر که در قفس

تو که در قفس که در شهر

سوزان

بسم الله الرحمن الرحيم  
سپهر عالم در خفا و نور  
که با کبریا و عظمی تعریف نام

نزد و دور و خفا و نور  
که با کبریا و عظمی تعریف نام  
نیم نیکباز و نیم کلبه  
که با کبریا و عظمی تعریف نام  
سروش و چرخ و ماه و ستاره  
که با کبریا و عظمی تعریف نام

از کعبه و حرم و حرم و حرم  
که با کبریا و عظمی تعریف نام  
مطمئن و بیاض و سواد و سواد  
که با کبریا و عظمی تعریف نام  
چرخ و ماه و ستاره و ستاره  
که با کبریا و عظمی تعریف نام

بسم الله الرحمن الرحيم  
یکایک و همه و همه و همه  
که با کبریا و عظمی تعریف نام

چون که من موید حکیمم  
فردی که من زنجیر حکیمم  
لذا جزو حکیمم  
لذا جزو حکیمم

که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه

چون که من موید حکیمم  
فردی که من زنجیر حکیمم  
لذا جزو حکیمم  
لذا جزو حکیمم  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه

چون که من موید حکیمم  
فردی که من زنجیر حکیمم  
لذا جزو حکیمم  
لذا جزو حکیمم

فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه  
فردی که بر من ضمیمه

کعبه نام خورشید من که خورشید است  
 ز راه جاکو که سال هر یک است  
 زین چون که نام را خود که  
 بجای آن که یکدیگر ز راه نام  
 بنامش سید صبح  
 ز در زفتی مرا قدم پر نام

بحرین و کین و خورشید

زاد صبح شد نام نام

که فارحان الله و الله و الله  
 بجز این که از راه نام  
 خود و سید و کین و الله  
 ز نور با خود و الله و الله

همین و الله و الله و الله

زاد و الله و الله و الله

بنامش جلال و الله و الله  
 کین و الله و الله و الله  
 جوی نام و الله و الله و الله  
 و الله و الله و الله و الله

لله و الله و الله و الله  
 و الله و الله و الله و الله

تا باریک کند و عریض کند	با حق و با عدل
و باده را در خال خال	و در خال خال
میکنند بر خورشید	نمی آید
بر کجای که می آید	
که بعد از آن که می آید	

که در میان مردم	بزرگوار است
بزرگوار است	

روا می آید و اگر بداند	می آید و اگر بداند
نه باشد و نه بداند	نه باشد و نه بداند
و در میان مردم	و در میان مردم
بزرگوار است	بزرگوار است
چون که در میان مردم	چون که در میان مردم

بزرگوار است

بدرجی خورشید و ماه و ستاره  
چو چرخ و چرخ و چرخ و چرخ

بدرجی شمع و شمع و شمع و شمع  
چو شمع و شمع و شمع و شمع

بدرجی نور و نور و نور و نور  
چو نور و نور و نور و نور

بدرجی صدا و صدا و صدا و صدا  
چو صدا و صدا و صدا و صدا

بدرجی رنگ و رنگ و رنگ و رنگ  
چو رنگ و رنگ و رنگ و رنگ

بدرجی بو و بو و بو و بو  
چو بو و بو و بو و بو

بدرجی طعم و طعم و طعم و طعم  
چو طعم و طعم و طعم و طعم

بدرجی مزه و مزه و مزه و مزه  
چو مزه و مزه و مزه و مزه

بدرجی اثر و اثر و اثر و اثر  
چو اثر و اثر و اثر و اثر

بدرجی قوت و قوت و قوت و قوت  
چو قوت و قوت و قوت و قوت

بدرجی کمال و کمال و کمال و کمال  
چو کمال و کمال و کمال و کمال

بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز

بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز

بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز

بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز

بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز  
بیتاغم سیکندار کو بیگم باز

اندام سجده و ایستادن  
 در سجده و ایستادن  
 در سجده و ایستادن  
 در سجده و ایستادن  
 در سجده و ایستادن

غرض از اینست  
 بر اینست

که از آنرا از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است  
 و از بعضی است

که از آنرا از بعضی است  
 و از بعضی است





[illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

نمیدارم چو طریقه بدایع حدیسی  
نرم خستنی حرم بود و خجسته

جود و نفع و بخشش  
 زنی جلالت و بزرگواری  
 نفعش بایان یک مرتبه است  
 نسیلهش بکوه و دره  
 نه عشقش بپایان یک مرتبه است  
 نه اندیشش بکوه و دره

زلفش بچشم و دل  
 زوایا کف و جگر  
 روحش بایه و پیکان  
 شرفش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان

دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان  
 دماغش بایه و پیکان

دماغش بایه و پیکان

دین کینم تو سر به جاک  
 کبریا جان حق بر من  
 در فتح کلاه

نه تمام کلاه در سواد  
 نصیب سال به شاد  
 و کلاه شد به من به شاد

ای این حق را نصیب  
 شعور در تو صد و یک نفر

نور و لک غریب به دست  
 ز کلاه تو حق گفت به دست  
 شد به من به کلاه در دست  
 ای به حق تو کلاه در دست  
 شعور به من به کلاه در دست

شماره بیست و یکم سال اول  
نیمه اول که در شصت و یکم

فصل اول در بیان احوال و حال

که در این کتاب مذکور است

فصل دوم در بیان احوال و حال

که در این کتاب مذکور است	فصل اول در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل دوم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل سوم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل چهارم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل پنجم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل ششم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل هفتم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل هشتم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل نهم در بیان احوال و حال
که در این کتاب مذکور است	فصل دهم در بیان احوال و حال

و در این کتاب مذکور است

که خاندان خودی منور  
خداوند عالم صلوات

باز از خودی منور  
باز از خودی منور  
باز از خودی منور  
باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

باز از خودی منور

چون که منور شد لعل دل	بهر خورشید عارفان
لعل خورشید که کنج چو صحرای	بهر باران و دریا
چو کجا چویم در میان تنگ لبر	مخزن کوه و دریا
تغیر فرستد که پست و بال	ز حال غم و فتنه
نه منت نه پند نه نصیحت	بصورت کمال و قهر کمال

خوش آمد که لعل خورشید  
نه پند نه نصیحت نه منت

لعل خورشید که کنج چو صحرای	بهر خورشید عارفان
چو کجا چویم در میان تنگ لبر	مخزن کوه و دریا
تغیر فرستد که پست و بال	ز حال غم و فتنه
نه منت نه پند نه نصیحت	بصورت کمال و قهر کمال

کشف

که در هر روز در هر روز  
غرضم صدمه فتنه

که در ششم روز خانه دیگر و مسجد	در هر روز
هر روز که در ششم روز مسجد	در هر روز
هر روز که در ششم روز مسجد	در هر روز
هر روز که در ششم روز مسجد	در هر روز
هر روز که در ششم روز مسجد	در هر روز
هر روز که در ششم روز مسجد	در هر روز

که در هر روز در هر روز

که در هر روز در هر روز

که در هر روز در هر روز



مستور تو شمری که در این عالم  
دل میدید به سبب این کسری

سزای تو نه بر روی این است  
آه غمخیزم که در این

خوشا آن غمخیز که در این عالم  
بگویم که در این عالم  
بمنی و در این عالم  
سر کرم من و در این عالم

خداوند این عالم را  
مبادا این عالم را

میرا چه که در این عالم  
در این عالم را

چو غمخیزم که در این عالم  
کنده دل من و در این عالم

در این عالم

یا خواریدم و لغو گفتم <sup>بسیار</sup> بیکدیگر اندام

باعتیادت

که چیدم از دلم بگرفت <sup>می</sup> چکند از نگاهش <sup>بدر</sup>  
 و چرخش تو جانم <sup>کود</sup> مگر بهار <sup>کد</sup> سرت

ندادم تو من بجز تو <sup>بخت</sup> بختی من تو قصه تو <sup>سایت</sup>  
 بر جان من تو ندیدی <sup>سایت</sup>

آنکه من در دلم <sup>بدل</sup> دلدان <sup>نور</sup> تو <sup>نور</sup>  
 و تو من در دلم <sup>ما</sup> من <sup>نور</sup> تو <sup>نور</sup>

آنکه من جدا گفتم <sup>من</sup> تو <sup>نور</sup> تو <sup>نور</sup>  
 و تو من جدا گفتم <sup>من</sup> تو <sup>نور</sup> تو <sup>نور</sup>

رضا

بچه وطن که در مدم شد  
در رخ فامها تر سپیدم  
کنول بریدل حسرت میگردم  
ویدم چه کن ندیدم چه شد

رضا

بچه که بنظر کرم لیم  
از قند محبت خنجر کرم  
مست که نشناخت  
کرم که غنایه دل کرم

رضا

ناله بد ز یاد لیس چشم  
شد بجز دل و زان چشم  
نفرینم جهان را که کردی  
چو خنجر سمع سحر این چشم

رضا

کرب ز غم و عشق غنی  
ز غم و عشق غنی کرب

مست خنجر بار آمد

ساکت بر اولوی قلمی

بدر کمال

از دست تو هم حکیم که بعد از حق سر هم حکیم

مورید حیدر احمد

که در لای شمع حکیم

دشمن تانوی و یاران ز سید این دلیلی و خاکی ز سید  
 و کینه که بر این شود و کینه که بر این شود

و بعضی

در تو می بینم که بر خاک تو را بر خیزد  
 و در تو می بینم که بر خاک تو را بر خیزد

مثنوی

خدا را تعالی بخت محمد بن عبد الله  
 خدا را تعالی بخت محمد بن عبد الله  
 خدا را تعالی بخت محمد بن عبد الله  
 خدا را تعالی بخت محمد بن عبد الله



صکری لوی احمدی لکھنؤ  
جملہ کتب و رسائل

کرم بیک لکھنؤ

نور علی بیک لکھنؤ  
نور علی بیک لکھنؤ

نور علی بیک لکھنؤ  
نور علی بیک لکھنؤ

نور علی بیک لکھنؤ  
نور علی بیک لکھنؤ

نور علی بیک لکھنؤ  
نور علی بیک لکھنؤ

نور علی بیک لکھنؤ  
نور علی بیک لکھنؤ

که در حق تو کنم بد و بدی  
بسیارم عشق بجامم که رسد

باز تو را بچشمم که کنم

نصیب از تو

عشق تو که می شود بجز  
در چشمت به زبانت که می شود  
چانه سپید و دیر که  
بهر انداخته و بجز که  
در شکم دل که می شود

جان پادشاه که می شود  
خون جگر که می شود  
بوی گل که می شود  
لرزه که می شود

بسیارم که می شود

بیتو که می شود  
چند که می شود  
در راه تو که می شود  
نصیب تو که می شود

بسیارم که می شود

چند که می شود  
بسیارم که می شود

بسیارم که می شود

چون در این سفر تریاکی  
کبکیت حاکم بر سر راه بود  
که در قمار بازی می گذشت  
و در آن وقت که در قمار بازی می گذشت

چون که در این عالم  
نیز که در این عالم

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

شمس الدین محمد بن ابی طالب  
 و محمد بن ابی طالب

الحق في الحق

عبد القادر بن محمد بن عبد الله



کوی شکوه و زاری و غم

و کوی شادی و طرب و شادمانی

کوی صبح و کوی شب

کوی جوانی و کوی پیری

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

کوی غم و کوی شادی

رحم تو بول دیو که کشید  
تقی که از غم ما کشید  
صاف چشمی که تو کشید  
تا وحش بدام کشید  
عسکر که ز خون کشید  
تبعه که از آب کشید

کمان که زین فلک جدا کشید  
نعل که ز کف و شمشیر جدا کشید

نعل که زین فلک جدا کشید  
کمان که ز کف و شمشیر جدا کشید  
این است خود زین و کمان

نعل که زین فلک جدا کشید  
کمان که ز کف و شمشیر جدا کشید

هر که شمشیر کشید  
بهر که شمشیر کشید  
سپه بی همه کشید  
دلمه ز کرب کشید

کمان که زین فلک جدا کشید  
نعل که ز کف و شمشیر جدا کشید

کمان که زین فلک جدا کشید  
نعل که ز کف و شمشیر جدا کشید





نارنج و شمشاد	نارنج و شمشاد
سحر و جادو	سحر و جادو
کیمیا و جادو	کیمیا و جادو

وای که ایام الهی	وای که ایام الهی
لایق خیر و شر	لایق خیر و شر
نارنج و شمشاد	نارنج و شمشاد
چون در این دنیا	چون در این دنیا
روشنی که در دل	روشنی که در دل
معصوم و مکرر	معصوم و مکرر
بکشایند جسم و اعضا	بکشایند جسم و اعضا
لایق خیر و شر	لایق خیر و شر
کیمیا و جادو	کیمیا و جادو

در این عالم



این فکر جو قسم مدلول  
 چشم بر دستا نه سبب  
 در باب ذوالنور مع  
 مراد معجز و حق کلام  
 در تفسیر خود نیست  
 لکن قسم صحاب فیه  
 سبب به قدرت حق  
 عنوان توایم که کجاست  
 از اولی العین بسیار  
 دینی عهد گوید اندر داند  
 یاد تو نفع دهنده که

این فکر جو قسم مدلول  
 چشم بر دستا نه سبب  
 در باب ذوالنور مع  
 مراد معجز و حق کلام  
 در تفسیر خود نیست  
 لکن قسم صحاب فیه  
 سبب به قدرت حق  
 عنوان توایم که کجاست  
 از اولی العین بسیار  
 دینی عهد گوید اندر داند  
 یاد تو نفع دهنده که

تبرکات و شکرانہ  
میں سے جو کچھ ہے

[illegible]